

معرفی رساله

ازاحة الشكوك و الا وهام عن مشروطية دولة الاسلام

نوشته شیخ عبدالحسین معزی (۱۳۸۴ - ۱۳۳۹ هـ. ق)



○ غلامرضا وفايي مهر

شیخ عبدالحسین معزی دزفولی

سخنی در باب نویسنده:

شیخ عبدالحسین معزی از روحانیون بزرگ خوزستان و ساکن شهرستان دزفول در دوران قاجاریه است. در مورد نسب خانوادگی وی باید گفت که خانواده معزی در اصل اهل اصفهان بوده و دو نفر از بزرگان آنها «به نام‌های معزالدین و مجدالدین... از جمله علمایی بوده‌اند که در دوره سلطنت صفویان به دزفول مهاجرت نموده و در این «بلده طیبه» ساکن شده‌اند»^۱ خود شیخ عبدالحسین از علمای معروف خوزستان در زمان ناصرالدین شاه است که مورد احترام و توجه حاکمان عصر وی بود. او فرزند سوم شیخ محمد طاهر معزی بود. تحصیلات ابتدایی خود را در دزفول و سپس قسمت اعظم آن را در عتبات عالیات گذراند. وی «اگر چه در علوم متداوله آن روز از نحو و صرف و معانی و بیان و اصول و فقه و حکمت بهره‌ای وافیه بلکه تبحری بسزا داشت... ولی تخصص او در فن خطابه و وعظ بود. به اندازه‌ای که اهل خبره از این جهت او را بر مرحوم آیه‌الله حاج شیخ جعفر شوشتری ترجیح می‌دادند»^۲ چنانکه ذکر گردید، شیخ عبدالحسین نیز مانند پدر بزرگوارش مورد توجه و احترام حاکمان قاجاریه بود، به طوری که در سفر به تهران در سال ۱۳۰۸ هجری قمری «در آنجا است که قضیه دخانیات اتفاق می‌افتد، و در همین سفر ناصرالدین شاه را ملاقات و عصای مرصع به او اهدا می‌شود»^۳ از آن بزرگوار آثار چندی بر جای مانده، از جمله: دیوان شعری مشتمل بر ۲۳۵۰ بیت شعر، یک سفرنامه و دو رساله به نام‌های ۱- ازاحة الشكوك و... و ۲- «الدر الثمین فی شرح خطبة المتقین» که شرح یکی از خطبه‌های معروف نهج البلاغه است.



تاج نورد پس این چیز را در این موضوع تصنیف نموده و او را
 سنی با از احه الشکوک والوهام عن مشروطیة دولة
 الاسلام کرد و مصدر بزرگشلی ساخت که عوام آن سنی لقب
 آن اجمالی مطلب برده است عدد فم مطاب رساله را رنند
 و ذیل دشت بجنب بستمطاب تموجه بموم سمن که برادران
 نصیحتی شایان و تحریضی نمایان در نصرت دین مین باشد
 مستدعی کنه ابرار ارض فضل و ذلیل از بحیث عفو و غماض گزند و بافتا
 شکنجت مرصاح فرهیند و مصنف را از دعا فراموش کنند
 قال الله تعالى وقد خلقكم اطوارا و هدی در مینی
 این آیه متفکر بودم تا اتفاق افتاد در بعضی یاد منزل من در مینی
 و شخص که حالت آن دو به خوبی انصاف معنی آیه وانی برآید

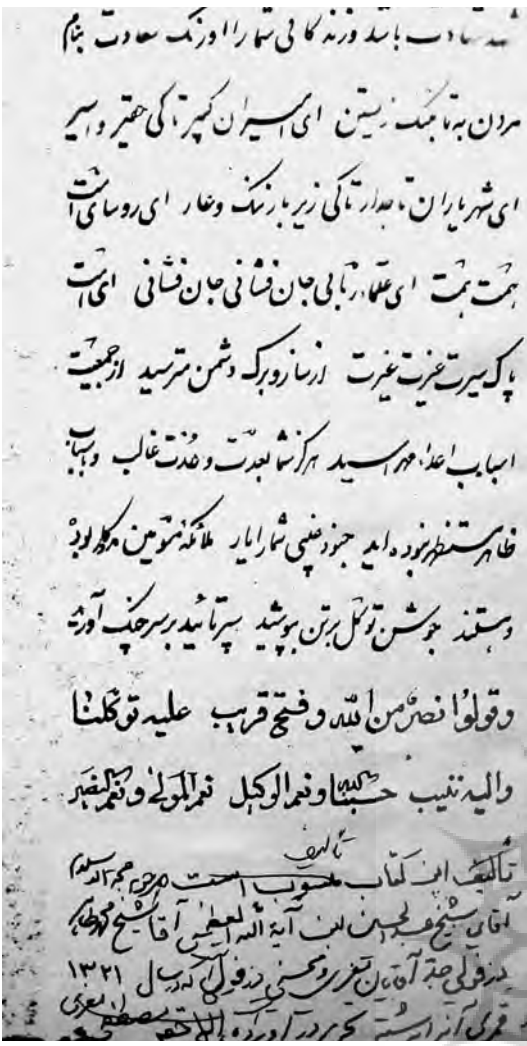
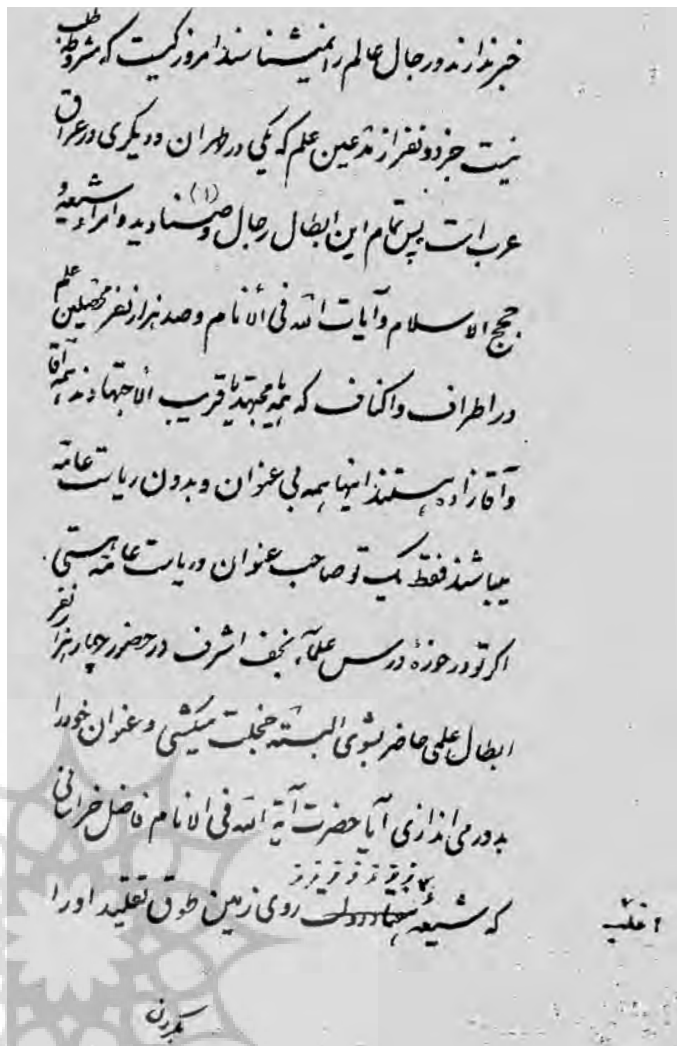
یا علما، استر اباد یا علما، اعلام صفحہ رجال عالم و عالم جو
 ژاپون ایران مکت آذر با بجان حفظم الله عن احمدان
 بخرتہ صاحب العصر و الزمان بی عنوان و بی ریاست اند
 آیا امر آء عظام ش حضرت سپهسالار علی ستارخان م
 و اقباله یا حضرت صمصام لطنه سردار ملی بختیاری حضرت
 سردار بعد دام اجلاله و سایر اخوان و بنی اعمام عظام فحام این
 و حضرت اینجانی قشقا و حضرت سپهسالار کشتی و سایر امر آء
 عظام سلام بی عنوان و بی ریاست هستند خوب است شخص
 حرف را که میزند ملتفت عیوب آن هم باشد که اسباب خجالت
 برای او فرسب نماید در اینجا مطلبی است که در تحقیق
 ناکریم و مفید خیع فوائد است مخفی بزرگتہ همان اهل

آبان
 ماه
 کتاب ماه تاریخ و جغرافیا
 ۱۳۸۲

ویژگی‌های سلطنت مشروطه است. معزی سپس در مقام پاسخگویی به شبهات مخالفان نهضت مشروطه برآمده است. وی در باب معنی مشروطه اسلامی، وظیفه پادشاه را سه چیز می‌داند: نخست اینکه پادشاه قانون اسلام را رعایت کند، دوم اینکه در مسائل مملکت بدون مشورت علما اقدامی انجام ندهد و سوم اینکه بیت‌المال را برای آبادانی مملکت و تربیت افراد صرف کند. این تفکرات او تا حدی شبیه افکار مرحوم شیخ فضل‌الله نوری در تمایل به مشروطه مشروع و نقش علما در امور سیاسی و تصمیمات مملکتی است. شیخ عبدالحسین معزی در پاسخ به کسانی که معتقد بودند ایران کمالات مشروطیت را ندارد «زیرا که دارای علوم سیاسی و قوانین نظم ممالک و مسالک نیستند، پس نباید به ایشان مشروطه داد»^۴ می‌گوید: «جمع دول [که به نظام مشروطه دست یافته‌اند] در بدو امر خود از حالت فعلی ایران سست‌تر بوده‌اند، در شعاع مشروطیت صاحب کمال شده‌اند.»^۵ او همچنین در پاسخ به کسانی که معتقد بودند مشروطیت مستلزم آزادی است و مردم پس از آزادی از ارتکاب به هیچ‌گونه مناهی و ملامتی اجتناب ندارند، می‌گوید: «شرط اولی [آن مشروطه] قرار دادن احکام شرعی است و قانون مملکت

شیخ عبدالحسین معزی نویسنده رساله «ازاحه الشکوک و الوهام عن مشروطیة دولة الاسلام»، از روحانیون موافق مشروطه در جریان این نهضت و از جمله حامیان آن بود که در حمایت از نهضت مشروطه این رساله را به نگارش درآورد

شرح کتاب ازاحه الشکوک و الوهام عن مشروطیة دولة الاسلام: شیخ عبدالحسین معزی از روحانیون موافق مشروطه در جریان این نهضت و از جمله حامیان آن بود که در حمایت از نهضت مشروطه این رساله را به نگارش درآورد. نویسنده خود در کتاب، علت نگارش آن را شبهاتی می‌داند که از سوی مخالفان مشروطه مطرح شده بود. از این رو عنوان کتاب را «ازاحه الشکوک و الوهام عن مشروطیة دولة الاسلام» به معنی «توضیح شکل‌ها و اوهامات در مورد حکومت مشروطه اسلامی» می‌گذارد. او رساله خود را با تمثیلی در مورد شیوه زندگی دو همسایه‌اش آغاز می‌کند. یکی شیوه عبدالقاهر، که تمام وسایل عیش و راحتی را تنها برای خود و همسرش مهیا کرده، اما فرزندان را در سختی و محنت نگهداشته و همه وسایل راحتی را از آنها گرفته است. بر عکس همسایه دیگر عبدالودود که تمام وسایل و امکانات زندگی را برای همه اعضای خانواده به تساوی مهیا کرده و با آنان در کمال عدالت رفتار می‌کند و نیز تمام تلاش خود را برای پیشرفت و ترقی اهل خانه به کار می‌برد. منظور نویسنده از همسایه نخست سلطنت مطلقه و مثال همسایه دیگر بیان



اگر مستلزم حریت و آزادی باشد، مستلزم حریت و آزادی از ظلم و جور است که به معنی اباضیم و عدم تمکین از ظلم و ستم است نه آزادی از قید احکام شرعیه.»^۱ وی سپس در باب لزوم وجود سلطان برای اداره مملکت می‌گوید: «مشروطه‌خواهان نیز خواهان سلطان هستند، اما سلطانی عادی. و اینکه سلطنت اسلامی نباید ضعیف باشد و... باید تمام سلطنت‌ها، سلطنت اسلامی به قاهر و غائب باشد... الان که اساس مشروطه یعنی مشروعه حقیقه را پهن می‌کنند، فی‌الحقیقه بساط اقتدار اوست که می‌گسترانند»^۲ معزی سپس در باب نقش روحانیت، وظیفه روحانیت را در نظام مشروطه سه چیز برمی‌شمارد: علم‌آموزی به جامعه ۲- قضاوت به عدل ۳- نیابت امام زمان (عج) و نظارت بر کارهای سلطان مشروعه.

نویسنده در پاسخ به کسانی که ضعف مجلس مشروطه را در اداره مملکت از نقایص آن می‌دانستند، مهم‌ترین علت این ضعف را فتنه مخالفان آن ذکر می‌کند. همچنین به کسانی که می‌گفتند، تلاش مشروطه‌طلبان برای کسب پست و مقام است، پاسخ می‌دهد که آیا کسانی مانند آیت‌الله خراسانی و یا سردار اسعد و صمصام السلطنه و سپهدار رشتی دارای عنوان نبوده‌اند که اکنون برای آن تلاش می‌کنند؟

نکته مهمی که شایان ذکر است اینکه تاریخ نگارش کتاب در پایان رساله، با خطی متفاوت که به نظر می‌رسد بعدها توسط شخص دیگری نوشته شده، سال ۱۳۲۱ قمری ذکر گردیده که این تاریخ سه سال قبل از صدور فرمان مشروطیت است. در حالی که نویسنده در لابلای مطالب از مجلس اول و برخی شخصیت‌های نقش‌آفرین ایران در سال‌های پس از مشروطه صحبت می‌کند. بنابراین به احتمال قریب به یقین تاریخ ثبت شده در پایان رساله صحیح نیست.

اما یافتن زمان دقیق نگارش آن نیز مستلزم بررسی بیشتری است که تلاش‌های راقم این سطور هنوز به نتیجه نرسیده است. اما در پایان باید در مورد شیوه نگارش رساله گفت که سبک آن به صورت خطابه است. شیوه‌ای که نویسنده در آن تبحر خاص داشته و فارسی مشکل و کلمات قصار عربی از ویژگی آن است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- محمدحسین عرب، تحقیقی در مورد رسایل علمیه مدارس علمیه (دزفول)، تهران: انتشارات ماندگار، ۱۳۷۹ - ص ۸۰.
- ۲- محمدعلی و مصطفی معزی، شرح خاندان آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی معزی دزفولی، قمر، چاپ حکمت، ۱۳۵۱ - ص ۳۳.
- ۳- همان، ۳۴.
- ۴- ازاحة الشكوك و الاوهام...، آیت معزی ص ۲۳.
- ۵- همان، ص ۲۵ - ۲۴.
- ۶- همان، ص ۴۸.
- ۷- همان، ص ۸۶.

توضیح کتاب ماه:

گزارش و معرفی کوتاه دیگری از رساله «ازاحة الشكوك و الاوهام عن مشروطیت دولت الاسلام» به قلم آقای مرتضی معزی - فرزند مرحوم حاج میرزا جلال‌الدین معزی و ایشان فرزند مرحوم حاج شیخ عبدالحسین مجتهد دزفولی صاحب کتاب ازاحة الشكوك... - در نامواره دکتر محمود افشار، جلد نهم، چاپ اول، ۱۳۷۵، صص ۵۱۷۱-۵۱۷۸ به چاپ رسیده است.